

## یادداشتی بر داستان "دختر ایل"

داستان در همان چند سطر آغازین شکل گرفت. داستان نویسی یک کد پر رنگ را در در افتتاحیه متن، بیان می کند و آن گاه ماجرا را شرح می دهد. در جهان واقعی و بیرون از داستان هم بارها اتفاق می افتد که کسی، جمله ای را سر بسته می گوید و سپس یا نمی تواند حرف را در دلش نگه دارد و یا به اصرار دیگران مجبور می شود آن را بیشتر توضیح دهد.

خانواده ای ناشناس، مدتی است که در کنار باغ پیرمرد چادر زده اند و دختر خانواده ظاهراً برای برداشتن آب به باغ می رود اما باغبان، او را از آنها دور می کند اما - گویا - دلش پیش دختر گرمی کند! و یا این که دلش برای او می سوزد. برای همین است که خیلی زود پشیمان می شود و گمان می کند که دختر دوباره بر می گردد. بنابراین تا شب در باغ منتظر می ماند اما دختر دیگر بر نمی گردد...

داستان نویسی هم مانند باغبان، از بهره برداری حداکثری سوژه داستان، باز می ماند. سوژه و مایه ای خوب و قابل پرورش نصیب داستان نویسی می شود اما او در روایت مناسب داستانش، کم کاری می کند.

داستان پر سوز و گدازی است. دختر بیمار است و خواننده نمی داند بیماری دختر چیست؟ بنابراین وقتی پیرمرد متوجه می شود که دختر مرده است، فقط گریه می کند. گریه کردن پیرمرد هم تأثیرگذار نیست. یعنی ما به عنوان خواننده گریه می مانیم. به بیان دقیق تر؛ ما نه با دختر همذات پنداری می کنیم و نه با پیرمرد. علت این غریبی چیست؟ آیا نویسنده نتوانسته است پرسوز و گداز بنویسد؟ آیا نثرش قوی نیست؟ ولی به نظر من، ما دختر و پیرمرد را خوب نمی شناسیم. چون آنها را خوب نمی شناسیم، آنها را به خودمان نزدیک نمی دانیم و یا برعکس؛ خودمان را به آنها نزدیک نمی دانیم. و چون این نزدیکی وجود ندارد، طبیعی است که دلمان نسوزد. ما معمولاً برای کسانی ناراحت و یا شاد می شویم که زندگی مان با زندگی آنها گره خورده باشد.

پس ما این شخصیتها را به درستی نمی شناسیم. داستان نویسی باید شخصیتها را چنان به تصویر بکشد و زندگی و رفتارشان را به ما نشان بدهد که او را از خودمان بدانیم. تنها در این صورت است که داستان نویسی می تواند تلخ و شیرین جهان داستانش را به ما منتقل کند. چرا داستان نویسی ما نتوانسته است این تأثیرگذاری را داشته باشد؟ از این که بگذریم، باید به داستان نویسی شادباش بگوییم که داستان خوبی را برای ما تعریف کرده است. پاک و پاکیزه و رک و راست. سید احمد موسوی نخواست ما را گول بزند. او ادعای نوشتن یک داستان فنی و بسیار حرفه ای را به ما نداده است. همان طور نوشته است که دوست دارد. همان قدر کوشیده است و به اجرا در آورده است که نتوانسته است. و این راستی و درستی یک داستان نویسی است. اما همان طور که در بالا اشاره کرده ام، ما از این سوژه انتظار کار بهتر و قوی تری از داستان نویسی داریم که امیدوارم در داستان دیگری که برای مجله خودش یعنی مجله جوانان امروز می فرستد، یک ذره کم کاری اش را جبران کند.

## داستان های شما پاسخ های ما

### ۱- زهرا جباری - آذرشهر

با سلام به دوستان عزیز... خانم جباری داستان بلند «مش حیدر» را فرستاده اند که با توجه به تنگنای صفحات داستان، قابل چاپ نیست. دوستان توجه دارند که داستانها نباید از ۱۵۰۰ کلمه بیشتر باشد.

### ۲- عباس لطفی - ؟

داستانریزه «نیمکت» در همین شماره چاپ شده است.

### ۳- مصطفی بیان - نیشابور

نقدی که بر رمان «سپیدتر از استخوان» فرستاده اید در شماره آینده چاپ خواهد شد.

عوامل مؤثر بر شخصیت های داستانی  
عبارت تندان: جایگاه اجتماعی، میزان سواد، شغل و جنسیت.

لیندا سیگر - فیلمنامه نویس

عمق شخصیت با تکه ای یخ قابل قیاس است؛ خواننده فقط جزیی از آن را می بیند که بیرون آب است!

لیندا سیگر - فیلمنامه نویس

## خبر داستانی

### فراخوان سومین دوره جایزه داستان کوتاه سیمرغ اعلام شد.

"انجمن داستان سیمرغ نیشابور" در ادامه تلاش در جهت تشویق و ترغیب نویسندگان، ایجاد فضای مناسب برای کشف استعداد های درخشان و معرفی ظرفیت های ادبیات داستانی شهرستان نیشابور با مجوز رسمی از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز حمایت بخش خصوصی، "سومین جایزه داستان کوتاه سیمرغ" را برگزار می کند.

از علاقه مندان و نویسندگان ساکن شهرستان نیشابور و متولدین نیشابور در داخل و خارج از کشور دعوت می شود تا داستان خود را طبق مقررات زیر به دبیرخانه این جایزه ارسال کنند:

- ۱- جایزه در حوزه داستان کوتاه با موضوع آزاد برگزار می شود.
- ۲- شرکت کنندگان فقط می توانند یک اثر را به منظور داوری ارسال کنند.
- ۳- داستان ارسالی نباید از هزار کلمه کمتر و از پنج هزار کلمه بیشتر باشد.
- ۴- داستان ارسالی نباید در دو دوره گذشته این جایزه ادبی شرکت داده شده باشد.
- ۵- داستان باید با نرم افزار word تایپ شده باشد.
- ۶- عنوان داستان، نام و نام خانوادگی، سن، آدرس دقیق پستی، پست الکترونیک، شماره همراه و صفحه اول کارت ملی نویسنده در صفحه ای جداگانه به همراه داستان ارسال شود.
- ۷- هیچ محدودیت سنی برای شرکت کنندگان در این مسابقه وجود ندارد.
- ۸- شرکت کنندگان باید متولد و یا ساکن شهرستان نیشابور باشند.
- ۹- دبیرخانه جایزه ادبی در استفاده از تمام یا قسمتی از آثار رسیده، مختار است.
- ۱۰- داستانهای رسیده در دو مرحله داوری می شوند و اسامی داستانهای راه یافته به مرحله دوم پیش از داوری نهایی در وبلاگ انجمن داستان سیمرغ منتشر خواهد شد.
- ۱۱- مهلت ارسال داستان تا تاریخ بیستم آذر ماه ۹۶ است. (این تاریخ تمدید نخواهد شد)
- ۱۲- زمان و مکان برگزاری آیین پایانی از طریق وبلاگ انجمن اعلام خواهد شد.
- ۱۳- علاقه مندان به شرکت در این جایزه باید داستان خود را از طریق پست الکترونیک به نشانی [simurgh.dastan@gmail.com](mailto:simurgh.dastan@gmail.com) ارسال کنند.

### جوایز:

نفر اول: یک میلیون و پانصد هزار تومان به همراه دیپلم افتخار و تندیس سیمرغ

نفر دوم: ششصد هزار تومان به همراه لوح تقدیر

نفر سوم: سیصد هزار تومان به همراه لوح تقدیر

آدرس وبلاگ: [www.simurgh-dastan.blogfa.com](http://www.simurgh-dastan.blogfa.com)

اینستاگرام: [simurgh-dastan](https://www.instagram.com/simurgh-dastan)

کانال تلگرام: [@Simurgh-Dastan](https://www.telegram.com/Simurgh-Dastan)

## می خواهیم داستان بنویسم کشمکش

داستان نویسان به خوبی می دانند که بدون وجود کشمکش و جدال، داستان جذاب و پرکششی نخواهند داشت. بنابراین کاربردهای کشمکش را به طور اختصار و فهرست وار یادآوری می کنیم:

- ۱- گسترش و میدان دادن به پیرنگ داستان؛
- ۲- پیشبرد رویدادها؛
- ۳- فضا سازی؛
- ۴- شخصیت پردازی؛
- ۵- ایجاد کشش و همراه کردن خواننده با داستان؛
- ۶- افزایش جذابیت و بیدار کردن حس کنجکاوی و ایجاد تعلیق و "هول و ولا" در خواننده؛
- ۷- نجات دادن خط طولی یا عرضی داستان از حالت رکود و یک نواختی؛
- ۸- ایجاد هیجان در خواننده.

عنصر کشمکش، نقش پیشبرنده ای در روند رویدادهای داستان بر عهده دارد. همه داستانها بر اساس سه خط اصلی نوشته می شوند. اما هر کدام از این سه خط، گنجایش فنون و ساختارهای مختلف داستان نویسی را دارند. به علاوه به راحتی می توان آنها را از هم تشخیص داد. انسان بر ضد خودش، انسان بر ضد انسان و انسان بر ضد طبیعت. کشمکش را از زاویه های گوناگون تقسیم کرده اند، از قبیل کشمکش درونی و کشمکش بیرونی. اما مشهورترین نوع تقسیم بندی، بر اساس طرفهای درگیری است که عبارتند از:

- ۱- کشمکش آدمی با طبیعت و پدیده های آن؛
- ۲- کشمکش آدمی با آدمی؛
- ۳- کشمکش آدمی با خودش (درون خودش)؛
- ۴- کشمکش آدمی با سر نوشت؛
- ۵- کشمکش آدمی با جامعه
- ۶- کشمکش جامعه با جامعه (تقابل دو نظم اجتماعی یا فلسفی)

داستان بر پایه فروپاشی تعادل بین افراد، موقعیتها و... پدید می آید. برای پدید آمدن این فروپاشی و عدم تعادل، یک درگیری و کشاکش مورد نیاز است تا درگیری بین آدمها، پدیده ها و نظمها نباشد، حرکت و حادثه ای در کار نیست و تا حرکت و حادثه ای در میان نباشد، نباید انتظار داشت که داستانی شکل بگیرد. پس نقش کشمکش به مثابه یک نقش مؤثر و کلیدی همواره مطرح بوده است.

مصطفی بیان

پایه گذار و دبیر سومین جایزه داستان کوتاه سیمرغ